

نکاتی در مورد سیاست و پراتیک کمونیستی در پرتو تحولات اخیر ایران

محمد آسنگران

ملی و نژادی و جنسی و این ترند از کمونیستها انترناسیونالیست، انسانگرا و کمونیستهای روشن بین و فعالی هستند که در هم شکستن قدرت سیاسی بورژوازی و استقرار حکومت کارگری را وظیفه خود میدانند. طی کردن این مرحله را کلید دست بردن به اقتصاد میدانند. چون بدون خلع ید از بورژوازی و بدون کسب قدرت سیاسی و نفوذ توده ای دست بردن به تحول اقتصادی ممکن نیست.

این کمونیستها برای رسیدن به این اهداف لاجرم به اتحاد و تشکیلات و سازمان احتیاج دارند چون کمونیسم پراکنده و کم قدرت دستش به جایی بند نمیشود. در عین حال کار جمعی و اتحاد قدرتش تنها در تعداد بیشتر و قویتر شدن نیست بلکه تنوع فکری و سیاسی آنها در مشورت کردن و تقابل نظرات متفاوت سنتز میشود و راههای به مراتب در دستتر و سیاسی تر و کارا تری را برای رسیدن به اهدافشان میتوانند اتخاذ کنند.

از این منظر اگر به مسئله نگاه کنیم متوجه میشویم که معنی این جمله که میگوید " قدرت کمونیستها و طبقه کارگر در اتحادشان نهفته است" را بهتر و کاملتر میفهمیم. اگر از این منظر به مسئله سازمان و حزب و جمع حزبی و نگاه کنیم تنوع فکر و سیاسی نه تنها مانع نیست بلکه قدرت ما را ده چندان میکند. اما این نتیجه وقتی حاصل میشود که کمونیستهای مورد نظر پایه های فکر و هدف و استراتژی مشترک را

تلاش میکنم در يك سلسله بحث منظوم از این سیاست را به اطلاع علاقه مندان برسانم. مقدماتا بگویم وقتی از کمونیستها حرف میزنم طبعاً منظوم نه کمونیسم سنتی است و نه کمونیسم ملی که همه گرایشات چپ غیر کارگری و غیر اجتماعی را در بر میگیرد. اینجا بطور مشخص منظوم کمونیستهایی است که خواهان برپایی حکومت کارگری یا همان حکومت سوسیالیستی هستند که جامعه بتواند به آزادی، رفاه و برابری و سعادت برسد و حاکمیت شهروندان از طریق شوراهاشان مستقر بشود. چنانچه حکومت نه از آن يك اقلیت با قدرت اقتصادی و ایدئولوژی ملی و مذهبی بلکه از آن هر شهروندی با حقوق برابر باشد تا بتواند در حکومت نقش ایفا کند.

کمونیستهای مورد خطابم شامل همه رگه های چپ و کمونیستهایی میشود که علیرغم تنوع فکری و حزبی این آرمان فوق را استراتژی سیاسی خود تعریف کرده اند. اما ممکن است راههای رسیدن به آن را و تاکتیکهای اتخاذ شده را مثل هم نبینند. ولی پایه فکری و هدف آنها یکی است. نقدشان به سیستم و مناسبات سرمایه داری از يك جنس است و کسی به دنبال بورژوازی ملی و احترام به مذاهب نیست. امیدی به نیروها و قدرتهای حاکم داخلی و بین المللی ندارند. کمونیسمشان با سعادت و رفاه و آزادی و برابری انسانها سنجیده میشود نه تعلق

صفحه ۲

اطلاعیه مطبوعاتی پاسخی به بیانیه فراندوم ۱۵ نفره



مینا احدی

این تلاشها در مقابل جنبش انقلابی ای که فی الحال پایان ماجرای اصلاح طلب - اصولگرا را اعلام کرده است بجائی نخواهد رسید. انقلاب عظیمی که آغاز شده است تا در هم کوبیدن کل دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی به پیش خواهد رفت. این عملی ترین، مسالمت آمیز ترین و متمدانه ترین راه تغییر نظام حاکم است.

مینا احدی، سخنگوی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ فوریه ۲۰۱۸
۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۶

شده دامن خود آنان را نیز بگیرد. هدف دیگر آنان حفظ پایه های دستگاه حاکم در برابر طوفان انقلاب است. بخش بزرگی از امضا کنندگان مدافعین "اسلام بهتر" و "اسلام با حقوق زنان تناقضی ندارد" و حکومت مرمت شده اسلامی، و تعدادی خود از پایه گذاران سپاه پاسداران بوده اند. طرح فراندوم اینان تلاش دیگری برای مصون داشتن ماشین سرکوب حکومت، زندانها و وزارت اطلاعات و امنیت و کل ماشین دولتی، از گزند انقلاب مردم است. تاکید آنها به "مسالمت آمیز" بودن فراندوم کذائیشان نیز از همین رو است. کسی که در برابر مردم معترض به خشونت و توحش حاکم را به مسالمت فرامیخواند دوست مردم نیست، حامی نظام حاکم است. فراندوم اینان در واقع چیزی بجز تداوم خط استحاله تحت فشار انقلاب مردم نیست.

اخیرا ۱۵ نفر از فعالین سیاسی با صدور بیانیه ای خواهان برگزاری فراندوم برای تعیین نوع حکومت آینده ایران شده اند. این فراندوم قرار است زیر نظر سازمان ملل و خامنه ای و روحانی و سپاه پاسداران و کلیت حکومت اسلامی برای "گذار مسالمت آمیز" از نظام اسلامی انجام شود!

فراخوان دهندگان خودشان اذعان میکنند این طرح برای اجرا شدن نیست، پس شان نزول این طرح چیست؟

علت اصلی صدور این بیانیه ترس فراخوان دهندگان از طوفانی است که در آسمان سیاست در ایران وزیدن گرفته است. اینان که تا دیروز طرفدار استحاله حکومت یعنی حفظ نظام جمهوری اسلامی با ظاهری دیگر بوده اند و برخی از آنان خود در برپایی این نظام سهم داشته اند، نگران آن هستند که طوفان زیر و روکننده ای که آغاز

پزشکان "طرحی" در سراسر کشور دست به اعتصاب زدند

صفحه ۳

حزب کمونیست کارگری ایران

در حمایت از گلرخ ایرانی، آتنا دائمی و سهیل عربی

صفحه ۳

جعفر عظیم زاده

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۴

عزیزه لطف الهی

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نسان نودینیان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ نکاتی در مورد سیاست و پراتیک..



محمد آسنگران

فراموش نکنند و ایفای نقش سیاسی موثر خود را منوط به همرنگ شدن همه با "من" نکنند. زیرا در سازمان و حزب و فعالیت جمعی، تنوع فکری و سیاسی باید فرض گرفته شود. کمونیستها اتحاد و تشکیلات را برای رسیدن به این استراتژی مورد نظرشان تعریف میکنند. تبلیغات و نقد و تشویق و امید دادن به هم طبقه ایها و نا امید کردن طبقات حاکم و... را در خدمت این استراتژی میدانند.

اگر از این منظر که مولفه هایش فوقا به اختصار آمد به سیاست و جامعه و حزب و تشکل و قدرت سیاسی و... بنگریم کمونیسم سیاسی و اجتماعی در مقابل کمونیسم ایدئولوژیک و افشاگر قرار میگیرد. زیرا یکی فکر میکند با افشاگری و آگاهگری جامعه پشت سر کمونیسم او قرار میگیرد و دیگری تلاشش این است که آگاهگری و اتحاد و سازمان و تشکیلات و حزب را در یک مجموعه ببیند و ارتقا بدهد و جامعه را متحول کند و قدرت سیاسی را چلنج کند. اینجا نقش حزب قدرتمند و بانفوذ برای کمونیسم مورد نظر من تعیین کننده میشود و سیاست درست اگر به این امر مهم خدمت نکند در بهترین حالت و موفقترین شرایط کمونیسم نوع دیگر بیشتر از یک بلندگوی حقیقت پراکنی نخواهد بود.

اما اولین قدم برای رسیدن به این مرحله و این سطح از درک سیاسی این است که بدانیم بدون قدرت و نفوذ تشکیلاتی کمونیستها هر نوع تشکل توده ای و مدنی و حتی کارگری میتواند از ریل خارج و در خدمت اهداف و استراتژی غیر کارگری قرار بگیرد و به سازش

طبقاتی کشیده شود. بنابراین ابزار درهم شکستن قدرت طبقات حاکم و سیستم و مناسبات بورژوازی بدون سازمان قوی کمونیستها و بدون حزب رزمنده و قدرتمند و بانفوذ کمونیستی با هیچ سازمان توده ای دیگری قابل اجرا نیست. بنابراین اگر چه سوسیالیسم حاصل تلاش و مبارزه طبقاتی است اما بدون ابزار سیاسی قدرتمندی به اسم حزب کمونیستی قوی حرف زدن از قدرت سیاسی و حکومت شورایی و سوسیالیستی فقط یک سری عبارات ذهنی و غیر مادی است.

همینجا در تکمیل فرض فوق لازم است بگویم حکومت کارگری و سوسیالیسم اگر شکل شورایی بخود نگیرد خارج از نیت برپادارندگان آن به مرور زمان و یا حتی خیلی سریع دست مردم از حکومت کوتاه خواهد شد و حاکمیت طبقات دارا احیا میگردد. زیرا حکومت کارگری و سوسیالیستی بدون برپایی شکل حکومت شورایی غیر قابل تصور است. اما نباید فراموش کنیم هر حکومت شورایی الزاما سوسیالیستی نیست. ولی هیچ سوسیالیستی نباید فرض کند که بدون حکومت شورایی میتواند سوسیالیسم را مستقر کند.

نکات فوق به اختصار پایه های فکری و سیاسی کمونیستهایی است که میتوانند متحد و متشکل فعالیتشان را هدفمند کنند. کمونیست غیر متشکل در دنیای سیاست فقط میتواند منتقد باشد و در بهترین حالت اگر خیلی معتبر هم بشود حامل پیام فشار سیاسی به حزب و سازمان و تشکلهای سیاسی دوران خودش است. اما قرار نیست ما خود را گروه فشار علیه بستر اصلی تعریف کنیم. قرار ما کمونیستها این است که آلترناتیو حکومت بورژوازی باشیم و با قدرت و توان تشکیلاتی و توده ای خودمان جامعه را از برزخ حاکمیت سرمایه به مرحله بالاتر و جامعه بهتری عبور بدهیم. این کار سخت و پیچیده ای است. ساده انگاری آن

دسته از کمونیستهای تخیلی را که فکر میکنند با ایده های خوب دنیا را بهتر میکنند نباید داشته باشیم. ما نباید تحت تاثیر این نوع کمونیستهای ذهنی قرار بگیریم که هیچ تصویر عینی از جدال پیچیده طبقاتی و اجتماعی با بورژوازی ندارند.

ما در عین حال که باید نقطه قدرتهای مهم و دستاوردهای تکنونی جنبش خود را سکوی پرش خود به جلو بدانیم، نباید از خطراتی که قدرتیگری جنبش ما و طبقه ما را تهدید میکنند غافل باشیم. دشمنان ما همچنان از ما امکانات و پول و رسانه و حامیان بیشتری دارند و تحمیق جامعه را با مهندسی افکار عمومی میشناسند و تاریخا برای حاکمیت خود در این عرصه خیره هستند. قدرت ما در حقانیت ما و در تعداد میلیونی ما نهفته است. اگر حقانیت سیاسی و طبقاتی ما بتواند بخش قابل توجهی از این میلیونها انسان تحت ستم را به میدان بیاورد آن وقت است که قدرت حاکمان را به آسانی میشود به چالش گرفت. بنابراین ما نه از کمبدهای خود غافل هستیم و نه نقطه قدرت جنبش کمونیستی و کارگری که قدرت ما برای پیروزی محسوب میشوند. این دو وجه مسئله مهمترین فاکتورهایی هستند که باید هر لحظه برای تقویت خود و جنبشمان روی میز هر جمع و حزب و سازمان کمونیستی قرار داشته باشند. حتی یک لحظه غفلت از این دو وجه یا یکی از این دو وجه میتواند به ما لطمه بزند. کسانی که این دو وجه مسئله را نمی بینند یا اعتماد بنفس لازم را ندارند یا آنچنان ساده اندیش هستند که تا روز شکست متوجه نقطه قدرتها و ضعفهای خود و دشمن نمیشوند.

با این مقدمه نسبتا طولانی باید سراغ ویژگیهای کار سازمانی در این دوره شد. میگویم کار سازمانی در این دوره زیرا کمونیستها و البته بورژواها هم بدون سازمان و بسیج افکار عمومی به نفع سیاستهای خود نمیتوانند به اهدافشان برسند.

بورژوازی با سازمان دادن دولت و پارلمان و قضاات و نیروهای مسلحش بعلاوه انواع رسانه های رسمی و غیر رسمی و شبکه مساجد و کلیسا و کنیسه و سعی میکند با تقویت دو ایدئولوژی ملی و مذهبی جامعه را تخریب و در جهت سیاست و اهداف طبقاتی خود حرکت بدهد. هر جا مردم تحت ستم از این دایره خارج شوند با نیروی سرکوب و زندان و قانون به سراغشان میروند.

اما کمونیستها به عنوان گرایش معینی در جنبش کارگری تلاش میکنند منافع عمومی و حقوق همه شهروندان را نمایندگی کنند. با اتکا به طبقه کارگر که رسالتش رهایی خود و جامعه از ستمها و نابرابریهای کنونی است به دنیایی بهتر و جامعه ای آزاد و مرفه و برابر برسند. بنابراین طبقه کارگر و کمونیستها اگر نگویم بیش از بورژوازی لاقبل به همان اندازه بورژوازی احتیاج به تشکل و دولت و سازمان اجتماعی و اتحاد و آموزش و آگاهی و... دارد که بتواند از

بورژوازی خلع ید کند. همچنانکه یک حاکمیت بورژوازی بدون دولت و پارلمان و سیستم سرکوب و هیئت وزرا و ارتش و مقامات محلی و سراسری و بدون دستگاه تحمیق و مذهب و ملیت و... ادامه حاکمیتش غیر قابل تصور است، طبقه کارگر و کمونیستها هم بدون سازمان و تشکل و اتحاد و به روز شدن نسبت به تحولات دنیا قدرتمند شدنشان و قدرتیگریشان غیر قابل تصور است. اگر این اصول داده شده و غیر قابل انکار را مد نظر قرار بدهیم باید در قدم اول واحدهای خود را در هر محله و شهر و دانشگاه و مدرسه و... سازمان بدهیم و در قدمهای بعدی ارتباط این واحدها در ابعاد شهری و استانی و منطقه و سراسری را تعریف کنیم.

این بحث را در بخشهای دیگر با پرداختن به تحول سازمان دادن این واحدها پی میگیریم.

به اطلاع عموم میرسانیم که با توجه به شروع خیزش انقلابی مردم و اوضاع منحولی که در ایران شروع شده است، تلویزیون کانال جدید که در یکسال گذشته از ماهواره پناه ست پخش میشود، از روز ۲۲ دیماه (۱۲ ژانویه) از هانترد نیز پخش میشود.



مشخصات کانال جدید
در پناه ست:
فرکانس ۱۲۵۹۴
سپید ریت ۲۷۵۰۰
FEC 2/3
پلاریزاسیون عمودی
هانترد:
فرکانس ۱۱۴۷۱
سپید ریت ۲۷۵۰۰
FEC 5/6
پلاریزاسیون عمودی

مشخصات کانال جدید در این دو ماهواره را به دیگران اطلاع دهید. کانال جدید صدای مردم است، صدای انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی، صدای مردمی که در خیابان ها فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر میدهند و در کارخانه ها دست په اعتراض و تجمع میزنند. صدای مادران و پدرانی است که در مقابل زندانها ازادی عزیزان خود را میخواهند. صدای مردم به فروش آمده علیه کل دم و دستگاه جنایت و چپاول اسلامی است. صدای زبانی است که تبعیض و تحقیر و نابرابری و تحمیلات اسلامی را نمیخواهند. این رسانه را به هر شکل که بتوانید از جمله با کمک ساتی تقویت کنید.

**جنبش عدالت خواهانه مردم ایران با قدرت و صلابت به پیش میرود
و ما برای سرنگونی این حکومت و سازمان دادن یک زندگی عاری از خشونت و استثمار و نابرابری و یک زندگی بهتر آماده هستیم.**

پزشکان "طرحی" در سراسر کشور دست به اعتصاب زدند



محدود و عمدتاً به صورت اختطاری و اولتیماتوم انجام شده بود. اما اعتصاب امروز از حدود یک ماه قبل با جمع‌آوری امضا و نامه به وزیر بهداشت مطرح شد و سرانجام به اعتصاب بزرگ پزشکان منجر شد. همزمان با اعتصاب، در برخی شهرها از جمله شهر لار در استان فارس پزشکان دست به تجمع اعتراضی زدند.

علاوه بر پزشکان کارکنان کلیه مراکز رادیولوژی، ام آر آی و سونوگرافی در گرگان نیز روز ۲۴ بهمن در اعتراض به عدم دریافت بودجه از طرف بیمه دست به اعتصاب زدند.

اعتصاب سراسری پزشکان گام دیگری در تداوم اعتصابات و اعتراضات کارگران و عموم مردم نشان‌دهنده تعمیق بحران و ناتوانی حکومت در تامین ساده‌ترین نیازهای اکثریت زحمتکش جامعه است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ بهمن ۱۳۹۶
۱۴ فوریه ۲۰۱۸

بروجن، خواف رزن، بهار، کبودر آهنگ، فامنین، میبد، اردکان، یاسوج، سیرجان، سرپل ذهاب، صحنه، بافق، مهران، حاجی آباد، میناب، سلماس، آشخانه، رودان، گناباد، پلدختر، سپید دشت، شوش، الشتر، آق قلا، نور، داراب، آباده، چالدران، تاکستان، نهاوند، کمیجان، چابهار، اردستان، بندرگناوه و اسدآباد. این بزرگترین فراگیرترین اعتصاب پزشکان ایران در سی سال گذشته است.

پزشکان طرحی در اعتراض به تاخیر یکساله کارانه و شرایط بسیار نامناسب معیشتی اقدام به اعتصاب کرده و از صبح روز ۲۵ بهمن از حضور در درمانگاهها و ویزیت بیماران غیروارژانس اجتناب کردند. مطالبات اصلی پزشکان متخصص طرحی شامل پرداخت کارانه‌های عقبافتاده، جلوگیری از کسورات عجیب و پلکانی غیرمنصفانه و همچنین اعطای حق مطب است.

در ماههای گذشته بحث اعتصاب پزشکان در گروههای مجازی مطرح شده بود و در مواردی بصورت

از صبح روز ۲۵ بهمن بیش از ۱۵۰۰ پزشک "طرحی" در ۱۱۵ شهر دست به اعتصاب زدند. اعتصاب پزشکان علیرغم تهدیدها و وعده‌ها و با اعلام از قبل صورت گرفت. شهرهای زیر از جمله به اعتصاب زده اند: کاشمر، بردسکن، تایباد، بجستان، تربت جام، ایذه، باغ ملک، رامهرمز، امیدیه، بهبهان، مسجد سلیمان، دزفول، خوی، تکاب، دورود، الیگودرز، بروجرد، ازنا، کوههدشت، خلخال، خرمدره، ابهر، خداپنده، شهریارک، جیرفت، بم، اندیمشک، بناب، شبستر، هریس، اهر، اسکو، آذر شهر، عجب شیر، بستک، بندرلنگه، دهدشت، نورآباد، پارس آباد، علی آباد کتول، نکا، اسفراین، طیس، شاهرود، نقده، لار، ارومیه، دلیجان، محلات، ساوه، استهبان، لامرد، نکا، فاروج، بجنورد، شیروان، زرقان، اسدیه، زرنديه، جاجرم، آغاچاری، سربیشه، فیروز آباد فارس، دیلم، درگز، وزقان، بهشهر، گلوگاه، زیرآب، مرند، خورموج، گرمی، مرودشت، محمودآباد، گراش، اقلید، سرخس،

در حمایت از گلرخ ایرانی، آتنا دائمی و سهیل عربی

و کشاندن سه انسان ظلم ستیز و برابری طلب به اعتصاب غذا و تحمیل مرگ تدریجی به آنان وجود دارد؟

گلرخ و آتنا نمادی از ایستادگی و مقاومت زنان ایران برای پایان دادن به ستم و تبعیض هستند. آتانی که زنان را نیمه انسان می‌پندارند و شکنجه‌تشنگی و گرسنگی و خطر مرگ را به زنان جسور و سازش ناپذیری چون آتنا و گلرخ و سهیل عربی‌ها تحمیل میکنند باید بدانند آتناها و گلرخ‌ها و دختران خیابان انقلاب، پیشتازان ما مردم ایران برای رهائی از کل وضعیت نکتبار موجود هستند.

آنان دیگر زنان منفردی نیستند که علیه ستم و تبعیض به پا خاسته اند بلکه نماینده سازش ناپذیر و پرشور رهائی انسان از هر ستم و تبعیض و درد و رنجی هستند.

آتنا دائمی، گلرخ ایرانی و سهیل عربی را زیر شکنجه اعتصاب غذا برده آید، با دختران انقلاب و میلیونها زن برابری طلب و مردم آزاده ایران چه خواهید کرد؟ پرونده خود را بیش از این در پیشگاه مردم ایران سنگین نکنید و به فوریت خواستهای بر حق آنان را به جا آورید. *



جعفر عظیم زاده

روز ۲۴ بهمن ماه، یازدهمین روز اعتصاب غذا و چهارمین روز اعتصاب خشک گلرخ ایرانی و آتنا دائمی در زندان قرچک ورامین و هیجدهمین روز اعتصاب غذای سهیل عربی است.

گلرخ ایرانی، ساعت چهار صبح امروز در نتیجه یازده روز اعتصاب غذای تر و چهار روز اعتصاب غذای خشک دچار تشنج و سپس بیهوشی شده است.

پدر آتنا دائمی نوشته است: آتنا و گلرخ دیگر قادر به تکلم نیستند. آتنا به پدرش گفته است بدنم یخ کرده و چند بار کف بالا آورده‌ام. جان گلرخ و آتنا در حالی به شکل جبران ناپذیری در معرض خطر قرار گرفته است که سهیل عربی نیز، که در حمایت از آنان دست به اعتصاب غذا زده است در شرایط جسمانی وخیمی قرار دارد. آیا جنایتی بالاتر از اعمال فشار

تماز آمرین و عاملین
جنایات اخیر جمهوری اسلامی
در سرکوب اعتراضات مردم،

باید دستگیر و علناً محاکمه شوند!

کلیه بازداشت شدگان اعتراضات اخیر

و کلیه زندانیان سیاسی

باید فوراً و بدون قید و شرط و بدون

تشکیل پرونده قضایی آزاد شوند

حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که
مهمترین و موثرترین گام
برای در هم شکستن تروریسم اسلامی
بزرگ کشیدن حکومت‌های اسلامی در منطقه و
پاک کردن جامعه از باندهای اسلامی است.



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

فراخوان بیوستن به خانواده های زندانیان سیاسی

درب زندان اوین روز سه شنبه بهمن ماه با يك شاخه گل مقابل زندان اوین. آتنا و گلرخ از روز شنبه ۲۱ بهمن دست به اعتصاب غذای خشک زداند. جان آتنا دائمی و گلرخ ایرایی در خطر جدی است!

شب ۲۱ بهمن حال آتنا به وخامت گرایید و فشار خونش بشدت افت کرد. همبندیهایش به سلول او رفتند و از او خواستند به اعتصابش پایان بدهد اما آتنا اعلام کرد که تا رسیدن به خواسته اش اعتصابش را ادامه خواهد داد. آتنا دائمی و گلرخ ایرایی در اعتراض به انتقالشان از زندان اوین به قرچک و رامین از روز شنبه ۱۴ بهمن دست به اعتصاب غذا زداند.

جمهوری اسلامی بطور سیستماتیک با پاپوش دوزی و پرونده سازی علیه مدافعین حقوق انسانی و مردم عاصی از فقر و گرسنگی و بیعدالتی دست به دستگیری و شکنجه و تهدید زده است. قتلهای خاموش در زندان تحت نام "خودکشی" و اعلام احکام اعدام برای رامین حسین چنای و هدایت عبدالله پور ادامه همین سیاست برای خاموش کردن اعتراضات مردم است.

مردم شرافتمند و آزادیخواه، سازمانها و نهادهای مدافع آزادی زندانیان سیاسی، با تحت فشار گذاشتن مقامات جمهوری اسلامی، مانع از يك خطر جدی شوید! جان آتنا و گلرخ را نجات دهید!

در کنار خانواده آتنا دائمی، گلرخ ایرایی و سهیل عربی در مقابل زندان اوین تجمع کنید. آتنا، گلرخ و سهیل و سایر زندانیان سیاسی هر چه سریعتر باید آزاد شوند و تحت مراقبت های ویژه و اضطراری پزشکی قرار گیرند.

در حالیکه هر روز والتتاین (روز عشاق) نزدیک میشویم زندانیان بیشماری در زندانها از خانواده ها و دوستانشان دور هستند. با يك شاخه گل رز در مقابل زندان اوین به

خانوادهها بپیوندید.

به فراخوان تجمع خانواده های زندانیان سیاسی، بازداشت شدگان و کشته شدگان اعتراضات اخیر روز سه شنبه در مقابل زندان اوین بپیوندیم!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۲۲ بهمن ۱۳۹۶
۱۱ فوریه

نامه مریم اکبری فرد

مریم اکبری منفرد، زندانی سیاسی محبوس در بند زنان زندان اوین بعنوان هم بندی سابق و نگران این افراد با نگارش نامه ای خواستار توجه نهادهای مدافع حقوق بشر به وضعیت این دو زندانی شده است.

متن کامل این نامه

سایه سرد و سهمگین سرکوب در سراسر کشور گسترده شده است و آسیاب سنگ خشونت در نهایت سرعت می جرد و با قساوت تمام هر دانه ایی را که بر گلویش میگذارد خرد می کند.

اما ایران و ایرانی طوق بندگی و عبودیت ظالمان را برداشته تا از نعمت شخصیت و آزادی و تساوی حقوق برخوردار گردد و این است که مرگ بانام برایش لذت بخش تر از ننگ و تمکین در برابر زور است و خود را از نردبان انسانیت بالا می کشد تا به حقایق بیشتری آگاهی یابد.

۹ روز از اعتصاب غذای گلرخ و آتنا عزیز میگذرد و کسی پاسخگو نمی باشد.

اعتصاب غذا واژه ایی آشناست اما شنیدن آن کجا و شاهد درد کشیدن يك انسان که در اعتصاب غذا به سر می برد کجا؟!

زیر فوران درد و هر روز ذره ایی از وجودت آب شدن و تو چاره ای جز ادامه مسیر برایت نباشد و هر روز ناتوان تر از روز قبل ولی مصمم تر در مسیری که پای نهاده ای زیرا که تنها تیری است در تاریکی.

در اعتصاب خشک دیگر بحث سر روز و ساعت نیست، دیگر صحبت از جداسدن ذره ذره وجودت

نیست. بلکه اتفاق در لحظه است در ثانیه، از کار افتادن کل سیستم بدن در يك لحظه، نفسها به شماره افتادن؛ تنفس های نفسگیر و هر آن امکان بالا نیامدن نفس بعدی!!!

خشکی دهان، چسبندگی لب و دهان و زبان و... ایست قلبی با هیچ واژه ایی نمیشود لحظه های دردناک اعتصاب غذا را به تصویر کشید جان گلرخ و آتنا در خطر است.

مطمع شدم آقای حاج مرادی در پاسخ مادر آتنا که گفته بود بچه ها میخواهند اعصاب خشک بکنند جواب داد: "برایم مهم نیست."

البته که برای شما که میراث دار سلف خویش هستید جان آدمی ارزش ندارد، اسلامی که در دهه ۶۰ چوبه های دار، جوخه های اعدام و خون جوانان را نردبان ترقی خویش

کردند و اینک در بالاترین مناصب دولتی تکیه زده اند و به هیچ نهادی هم پاسخگو نیستند و هر بلایی که می خواهند بر سر زندانیان می آورند و در نهایت به اسم خودکشی و مصرف مواد مخدر و... پرونده ها را مختومه اعلام می کنند.

قانون و اخلاق و وجدان و این قبیل واژه ها کمترین اعرابی در این حاکمیت ندارد. به بردگی در آمدن انسانیت و سلب کردن کرامت انسانی ماهیت این حکومت است.

من مریم اکبری زندانی سیاسی، از زندان اوین، از پشت دیوارهای سنگی دست استمداد به سوی مجامع بین المللی و نهادهای حقوق بشری دراز می کنم و از همه کسانی که قلبشان برای انسان و انسانیت می تپد تقاضا دارم فریاد مادر گلرخ و آتنا را بشنوید و چشمان امیدوار مادران به سوی شماهاست. شماهایی که از نیروی ایمان و عقیده به آزادی نوع بشر بر خوردارید آنها را نا امید نکنید.

حضور شما اثری تعیین کننده خواهد داشت و ارزش نهایی هر زندگی در حضور لحظه های سرشار از احساس و وظیفه در آن لحظه هاست.

مریم اکبری منفرد

یگان ویژه دو خبرنگار زن را هنگام بازی فینال در يك اتاق محبوس کرد

حبس زنان خبرنگار توسط ماموران یگان ویژه در تبریز هنگامی اتفاق افتاد که این دو زن

خبرنگار برای پوشش خبری این مسابقه رسماً اعزام شده بودند. برخوردهای تحقیر آمیز با زنان ایران تمامی ندارد و هر روز به نوعی آنان را مورد اهانت قرار میدهند.

بنا به گزارشات، دو خبرنگار زن روز سه شنبه ۱۷ بهمن ۹۶، در جریان مسابقه ورزشی که برای پوشش خبری مسابقات بسکتبال که بین تیم های شهرداری تبریز و مهرام برگزار میشد به این شهر رفته بودند، توسط یگان ویژه در يك اتاق محبوس شدند.

این دومین دیدار فینال لیگ بسکتبال بود که خبرنگاران روزنامه های ورزشی آسمان آبی و گل برای پوشش خبری به این شهر رفته بودند ولی با کمال تعجب هر دو خبرنگار به دست ماموران یگان ویژه مستقر

در ورزشگاه از سالن بیرون رانده شدند و سپس آنها را در يك اتاق محبوس میکنند، این دو خبرنگار هر تلاشی برای خروج از اتاق میکنند موفق نمیشوند، خبرنگار روزنامه آسمان آبی گفته است: «هر کاری کردیم، در باز نشد تا بیرون برویم. حتی يك نفر از کارمندان اداره ورزش تبریز نیز آمد و به او گفتیم در را روی ما قفل کرده اند؛ اما او کاری نکرد.

فقط از پنجره بالای اتاق به ما جای داد و رفت. ما هم تا آخر بازی در اتاق زندانی بودیم و بعد آمدند در را باز کردند». فیلمی که دو خبرنگار از هنگام محبوس بودن خود گرفتند باعث رسانه ای شدن این خبر شده است.

زنده باد هشت مارس، زنده باد دختران انقلاب!

هشت مارس روز جهانی زن، روز زنان و مردان بپاخاسته
علیه کل قوانین و سنتها و نیروهای ضد زن است.

روز نه گفتن به حجاب، روز انقلاب زنانه علیه توحش زن ستیز،
و روز جاری کردن قانون برابری و آزادی در همه جا.

دختران خیابان انقلاب با حرکت نمادین خویش نشان دادند که امروز
ارتجاع جقدر سست و شکننده است! این تنها گوشه کوچکی از قدرت زنان است.

در هشت مارس امسال با زیر پا افکندن گسترده طوق حجاب و
هر گونه نشانه آبار ناید و توحش جنسی،

پیام انقلابی انسانی برای پایان دادن به عصر توحش را سراسری کنیم.

قانون انسانیت قانون برابری همه انسانهاست.

هشت مارس روز اعلام برابری و آزادی است.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ بهمن ۱۳۹۶، ۸ فوریه ۲۰۱۸



علیه تبعیض



نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات
هفته از شهرهای کردستان

در گذشت بیژن قلوژی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، مرگ دلخراش بیژن قلوژی را به همسر و فرزندانش و به کارگران در ایران صمیمانه تسلیت میگوید.

بیژن قلوژی کارگر کارخانه آسفالت کامیاران جان باخت

اتحادیه آزاد کارگران ایران: بیژن قلوژی کارگر کارخانه آسفالت کامیاران که از روز ۱۹ بهمن با سوختگی ۸۰ درصدی با مرگ وزندگی دست و پنجه نرم میکرد در شب ۲۱ بهمن در بیمارستان جان باخت و دیروز ۲۲ بهمن به زادگاهش شهر کامیاران منتقل و قرار است امروز به خاک سپرده شود.

طبق خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بیژن قلوژی ۴۵ ساله با بیش از ۲۳ سال سابقه کار، ۱۱ ماه حقوق معوقه، مستاجر و دارای ۵ فرزند در روز ۱۹ بهمن ماه برای تهیه مخارج ازدواج اولین دخترش به تنگنای مالی دچار میشود و به همین دلیل برای گرفتن حقوق های معوقه اش که ۱۱ ماه توسط کارفرما به تاخیر افتاده بود به دفتر ایشان میرود اما ساعتی بعد پیکر سوخته بیژن از دفتر کارفرما به بیمارستان توحید سندانج منتقل میشود. اینکه در دفتر کارفرما چه گذشت، کسی نمیداند و هنوز این مسئله روشن نشده است.

چیزی که در این میان روشن است این است که بیژن با دست خالی و با درخواست دریافت دستمزدهای معوقه اش وارد دفتر کارفرما شده است. کارگران این کارخانه میگویند کارفرما گالون بنزینی را که در دفترش بوده است را با پا به سمت بیژن هول داده و باعث آتش گرفتن وی شده است و کارفرما میگوید خودش خودسوزی کرده است.

اما چیزی که واقعیت دارد فاجعه آشکار و عیان از جرم و جنایتی نابخشودنی توسط کارفرمایانی است که ماهها حقوق کارگران را به گرو میگیرند و قاتل به هیچ زمان معینی برای پرداخت آن

نیستند و آن هنگام که کارگران کارد به استخوانشان میرسند و دستمزدهای معوقه خود را طلب میکنند یا با یگان ویژه و سرکوب و زندان و دادگاه مواجه میشوند، یا در نتیجه فشارهای اقتصادی و معیشتی دست به خودکشی میزنند و یا همچون بیژن با تنی سالم وارد دفتر کارفرما شده و پیکر نیمه جانسان روانه بیمارستان میشود.

بیژن یکی از صدها هزاران قربانی سیستمی ضد انسانی است که در آن میلیونها کارگر پس از ماهها کار و زحمت، تازه باید وارد میدان جنگی نابرابر و خطرناک برای دریافت دسترنج شان بشوند. در این سیستم قانون و دادگاه و پلیس و نیروی امنیتی، نگهبان منافع مشتی دزد و غارتگر، و یار و یاور آنان برای وادار کردن ما کارگران با شکم گرسنه و با دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر است.

مرگ بیژن، آنهم در روند خواست دریافت ۱۱ ماه دستمزد معوقه اش، بار دیگر نشان داد ما کارگران هیچ راهی جز اتکا به نیروی متحد خود و مبارزه ای سراسری برای پایان دادن به وضعیت فلاکتبار موجود نداریم. اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۳ بهمن ۹۶

مرگ دردناک بیژن قلوژی باید همه وجدانهای بیدار را برای تغییر وضعیت موجود به حرکت در آورد
فرهاد شیخی

بیژن قلوژی کسی است که که مرگ دردناکش باید همه وجدانهای بیدار را تکان داده و جامعه ای را به حرکت در آورد، همانطور که خودسوزی یک دهک دار، مردم تونس را به حرکت در آورد و آتش حقانیت اش جامعه ای را در بر گرفت.

چه کسی او را کشت؟؟ خودش یا کارفرما؟؟
چقدر دردناک است که قاتل زنده باشد و از دسترنج مقتول ارتزاق کرده باشد و یک دنیا قانون و دولت هم حامی اش باشد و راست راست در خیابان نعش کشیفش را حرکت دهد.

بیژن قلوژی را کارفرما (سرمایه) سوزاند نه خودش، درست همانزمان که شروع به ندادن حقوق اش کرد بنزین را رویش ریخت و ماه ها یکی پس از دیگری او را استثمار و به بیگاری کشاند و آخر سرفندکی زیرش گرفت.

مطمئنا اگر به مراجع قانونی هم میرفت، چیزی جز همان تجربه کارگران هفت تپه که باتوم و شلاق و کتک کاری از جانب مأموران قانون بود را دریافت نمیکرد. و همه این عوامل دست به دست هم داد تا در روز ۲۲ بهمن که دولت سرفرازیش را جار میزنند، سر افکندگی و ضد کارگری بودنش (که به دروغ زفاه مردمی را فریاد میزنند و با کلیدشان مغز همه را خورده اند) را اثبات کند و از دنیا برود.

چه مرگ دردناکی خانواده ای پنج نفره، مستاجر، دختر دم بخت و ماه ها بیگاری و بعد خود سوزی، بیگاری و برده داری نوین را در ایران میشود در هر ناحیه ای به وفور دید.

ماه ها معوقات مزدی یعنی ماه ها نان در سفره نداشتن، یعنی ماه ها روان پریشی، یعنی ماکزیموم پتانسیل اعتراضی در وجود تک تک ما.

هر چند که با همان مزد چهار پله زیر خط فقر و با مخارج و تورم بالا و دلار پنج هزارتومانی و ارزش پایین پول ایرانی به سفره نداشت. خودسوزی وی در دفتر کارفرما، در جایی که پولهای کارش تل انبار و به حساب صاحب شرکت آسفالت منطقه واریز شده بیش از هر چیزی نمایانگر این است که تا چه حد کارگری حق و حقوق است و جز خودش یعنی جز طبقه کارگر که هم سرنوشت هستند، کسی را ندارد.

هم در تنوری هم در پراتیک، هفت تپه و هیکوها بارها اثبات کرد که قانون علیه کارگر و له کارفرماست و گرنه، اگر غیر از این بود قلوژی ها خودسوزی نمیکردند و در روز کارگر جلو مجلس برچیده نمیشدند.

من بعنوان یک کارگر که کیلومترها از وی دور اما هم سرنوشت او هستم انگشت مجرمیت و نه صرفا اتهام را به طرف صاحب شرکت آسفالت و دولت دراز میکنم و همچنین شریک غم خانواده او که الان نان آوری ندارند هستم.

نیما ابراهیم زاده برای پیگیری ادامه معالجه پزشکی باید فوراً به خارج از کشور منتقل بشود.

نیما ابراهیم زاده فرزند زندانی سیاسی سابق، فعال کارگری و کودک بهنام ابراهیم زاده اکنون ماهها است در بیمارستان محک تحت نظر کادر پزشکی این مرکز قرار دارد. نیما باید به زودی پیوند مغز و استخوان بشود. هزینه مخارج انتقال و پیوند در خارج از کشور خیلی بالا و سرسام آور است. پزشکان متخصص در المان اعلام کرده اند برای پذیرش نیما اول باید تمام هزینه کامل درمان نیما پرداخت بشود تا بیمارستان او را پذیرش کند. از طرفی تا این لحظه وضعیت ممنوع الخروجی بهنام ابراهیم زاده از سوی دادستانی رفع نشده است. اکنون با سپری شدن ماهها از محکومیت کامل و آزادی ایشان بهنام ابراهیم زاده هنوز همچنان ممنوع الخروج می باشد.

دادستانی و نهادهای امنیتی مسئول هرگونه اتفاقی هستند که برای نیما و خانواده او بیفتد! نیما باید هرچه زودتر برای ادامه درمان به خارج از کشور اعزام بشود.

نیما و خانواده او را تنها نگذاریم برگرفته از تلگرام انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه

جانباختن یک کولبر در منطقه بانه

به دنبال یک هفته بی اطلاعی از شوانه رسولی کولبر ۲۵ ساله اهل روستای سیاومه ی بانه، روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه جنازه وی در حالیکه دست و پایش بسته شده بود، در دره ای نزدیک "هنجینه ره شکه" بانه پیدا شد. هنوز علت مرگ ایشان مشخص نیست.

شعار نویسی نه به اعدام رامین حسین پناهی!

در پی اقدامات سمکبلیک روزهای گذشته در شهر سندانج علیه احکام اعدام این بار بر دیوارها مردم خواهان لغو حکم اعدام رامین حسین پناهی هستند!

بعد از بر سر چوب رفتن حجاب اجباری در خیابان، نوبت به بر سر چوب کردن نمادهای دیگر تفرض به حقوق انسانها رسید.

حرکت نمادین ویدا موحد معروف به دختر خیابان انقلاب که خیلی سریع به یک جنبش سراسری علیه حجاب اجباری تبدیل شد و هر

روز و هر ساعت بر تعداد زنان و مردانی که در اعتراض به حجاب اجباری، روسری ها را بر سر چوب برده و در خیابانها و میدانی و دیگر مکانهای عمومی تکان می دهند، افزوده می گردد، آنچنان تحولی در مبارزات جاری علیه تمامی تعدیبات و تعرضات سیستماتیک به همه جوانب زندگی اکثریت جامعه ایجاد کرده است که به تاسی از این شیوه از مبارزه، در عرصه های دیگر اعتراضات نیز الگو برداری می شود.

در یکی از روزهای هفته قبل یک نانو در اعتراض به افزایش قیمت آرد، بر روی میز توری مخصوص سرد کردن نان در مقابل نانوائی خود رفته و نان بربری ای را بر سر چوب کرده و به همان شیوه دختران خیابان انقلاب آن را تکان می داد. اعتراض به اعدام با در دست گرفتن نماد انسان کشی «طناب اعدام» و تکان دادن آن در خیابانهای شهرهایی چون تهران، زاهدان و سندانج شروع شده و در حال گسترش است. راننده اتوبوس شرکت واحد در مقابل مجلس پرچم اعتراض به گرانی و عدم تأمین معیشت را بر روی سقف اتوبوسش در دست گرفت و فریادش را بلند می کند.

این نمودهای اعتراضی در سطح جامعه، جرقه هائی هستند که سریعاً به جنبش های وسیع اعتراضی تبدیل خواهند شد. بستر تبدیل شدنشان به جنبش های اعتراضی اجتماعی مهیاست و می توانند در تعمیق و ریشه دار کردن اعتراضات جاری نقش تعیین کننده را ایفا کنند.

اعتراضات به پایمال شدن حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران و همه دیگر بخشهای مردم که پشت سر هم و یکی پس از دیگری با چرخاندن نمادهای آنها در خیابانها بروز و وسعت می یابند، مصداق فنرهای از جا جهیده ای هستند که ۳۹ سال تحت فشار قرار داشته و امروز بر سطح فشار دهنده خود فائق آمده که دیگر قابل بازگرداندن به جای قبلی نیستند.

در مدت ۳۹ سال گذشته هیچ یک از مطالبات جامعه ای که برای رسیدن به خواستها و حقوق پایمال شده انسانیشان انقلاب ۵۷ را خلق کردند، تحقق نیافته و کوچکترین

از صفحه ۵ نگاه هفته...

اعتراضات اجتماعی از اعتراضات کارگری گرفته تا زنان، جوانان، دانشجویان و غیره با یورش و حمله و مقابله تمام دستگاهها و ارگانهای حکومتی روبرو گشته است. به معنای واقعی مطالبه گری و حق خواهی مردم توسط قانونگذاران و مجریان آن جرم تلقی گشته و با مطالبه گران جامعه به مشابه مجرمان جانی برخورد شده است. امروز هر بخشی از جامعه به دنبال تحقق آرزوهایی هستند که ۳۹ سال پیش به خاطرشان در مقابل یکی از درنده ترین حکومتها به خیابان آمدند و فریادشان را بلند کردند و دیگر صبرشان بسر رسیده است.

جوآنیر مرادی
۱۹/۱۱/۱۳۹۶

مرگ کارن الیاسی نوزاد سرپل زهابی به روایت والدین
فرشته چراغی: چند روز است که خبر مرگ کارن الیاسی نوزاد سرپل زهابی مورد توجه افکارعمومی و رسانه هاست و سئوالهایی در اذهان ایجاد کرده است. اینکه این نوزاد بر اثر کم کاری پرسنل و مسئولان بیمارستانی و یا *خطای پزشکی فوت شده، یا مرگ او طبیعی بوده، اظهار نظر متفاوتی می شود. خبرهایی نیز از مرگ کارن بر اثر سرماخوردگی در رسانه های غیر رسمی منتشر شده، اما دکتر طبیب قدیمی نماینده تام الاختیار وزیر بهداشت و درمان و نیز دکتر *کیقباد قدیری پزشک معالج این نوزاد چنین اخباری را تایید نمی کنند. روابط عمومی بیمارستان امام رضا نیز با انتشار اطلاعیه ای تلاش کرده افکار عمومی را قانع کند. نکته قابل توجه در این گزارش این است که رای پزشک قانونی نحوه مرگ این نوزاد را تعیین می کند. والدین کارن اما مرگ فرزند دلبندشان را چگونه روایت می کنند؟

زهره کاکایی و کاوه الیاسی در این زمینه با ما گفت و گوی اختصاصی داشتند. آنها می گویند: صبح روز ۱۶ بهمن ماه بعد از تزریق

واکسن دو ماهگی کارن که روز قبل انجام گرفته بود، متوجه بی میلی کارن نسبت به خوردن شیر و بی حالی او شدیم. این وضعیت دو روز ادامه داشت تا اینکه تصمیم گرفتیم به متخصص اطفال مراجعه کنیم. نخست به مطب دکتر محسن پور رفتیم و به دلیل عدم حضور ایشان به دکتر صفایی مراجعه کردیم. در مطب علائم کارن را برای او توضیح دادیم و اینکه بی حالی، سرفه، گریه، نخوردن شیر و بالا آمدن کف از دهان از جمله این علائم است.

نظر دکتر- صفایی این بود که وجود این کف نشانه خوبی نیست و باید همین امشب بستری شود. او را به بیمارستان محمد کرمانشاهی بردیم و به دلیل نبود جا، از پذیرش کارن امتناع کردند. بنابراین به بیمارستان امام رضا مراجعه کردیم و در این بیمارستان هم با همین مسئله "نبود جا" مواجه شدیم و گفتند که باید صبح روز بعد مراجعه کنید!

اصرار و پافشاری ما برای بستری کارن بی فایده بود و اشاره کردیم که از سرپل ذهاب آمده ایم و توان برگشت دوباره را نداریم، اما گفتند که از ما کاری بر نمی آید چون تخت خالی نداریم! به ناچار پس از کرمانشاه مستقیم به سرپل ذهاب برگشتیم!

ساعت دو نیمه شب به بیمارستان بانگر مراجعه کردیم که فقط قرص و شربت و اسپری بینی برای او تجویز شد. عکس قفسه سینه او که نشان می داد ریه کارن عفونت دارد. صبح زود دوباره به بیمارستان امام رضا برگشتیم که گفتند چون دیر مراجعه کرده آید، نمی توانیم پذیرش شما را پذیرش کنیم و باید صبح روز بعد برگردید! شب را در منزل یکی از اقوام گذرانیدیم، ساعت چهار صبح بی قراری و سرفه کارن دوباره شروع شد و مجبور شدیم همان ساعت دوباره

به امام رضا مراجعه کنیم. بعد از مراجعه اورژانس اطفال گفت که نوبت ویزیت شما صبح ساعت هشت و نیم است و باید تا آن ساعت در نمازخانه منتظر بمانید! ساعت هشت و نیم مجدداً برگشتیم که گفتند فعلاً باید منتظر بمانید و ما دوباره نوبت ویزیت گرفتیم و تا ساعت سه بعد از ظهر در راه روی بیمارستان معطل شدیم!!

بعد از اینکه در بخش اطفال بستری شد، به خاطر وضعیت کارن از آنها درخواست کردیم که به بخش "آی.سی.یو" منتقل شود ولی با ما موافقت نشد و تا بیست و دوم بهمن در بیمارستان بستری بود.

مادر کارن در تکمیل این رویداد می گوید: صبح روز بیست و دو بهمن ساعت نزدیک شش صبح، بعد از تزریق سرم جدید، کارن از خواب بیدار شد و دوباره بی تابی و بی قراری اش شروع شد. به پیشنهاد خواهرم تصمیم گرفتیم که از شیر خودم برای تغذیه کارن استفاده کنم. چون خودم کمبود شیر دارم، در روزهای قبل فقط از شیر خشک و سرم های غذایی استفاده شده بود و شب قبل هم فقط موفق شده بودم که به او سه درجه شیر خشک بدهم. همینکه آماده شدم به کارن شیر بدهم ناگهان بی تابی و بی قراری تشدید پیدا کرد و تماماً کبودی، بدن و صورتش را فرا گرفت. پرستار فوراً او را به "آی.سی.یو" منتقل کرد و بعد از گذشت ۱۵ دقیقه خبر فوت کارن را به ما دادند!

والدین کارن می گویند: بلافاصله با دکتر صحبت کردیم و گفت دلیل مرگ او مشخص و قانع کننده نیست، چون تصمیم داشتیم صبح امروز (۲۲ بهمن) او را ترخیص کنیم. سپس او را به پزشک قانونی منتقل کردند و به ما گفتند که نتیجه آزمایشات و کالبد شکافی را به زودی اعلام می کنیم. اما در مدارک پزشکی او به این امر اشاره شده بود که مرگ مشکوک است.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

دیکتاتورها از آزادی اندیشه وحشت دارند. زیرا پاسدار سلطه اقلیت چپاولگر بر اکثریت مردمند. اولین گام انقلاب مردم در همه جا گشودن در زندانهاست. انقلابی که در ایران آغاز شده با اعلام قانون آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و تشکل، برای همیشه به دوران زندان و زندانهای سیاسی پایان خواهد داد. با سرنگونی توحش اسلامی سرمایه داران، عزیزان در بند را از چنگ دژخیمان رها خواهیم کرد و جامعه ای انسانی و آزاد و برابر را پی خواهیم ریخت.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ بهمن ۱۳۹۶، ۱۳ فوریه ۲۰۱۸

منزلت، معیشت حق مسلم ماست

این فریاد کارگران و معلمان و بازنشستگان ایران در مقابل حکومت توحش اسلامی سرمایه داران است. در عصر پیشرفتهای شگرف بشری، ارتجاع سرمایه داری يك باتلاق متعفن را بنام جامعه بر انسانها حاکم کرده است. این را نمی پذیریم! تحقیر و بی اختیاری و زندگی زیر فقر را پایان خواهیم داد. انقلابی برای اعلام پایان عصر توحش و آغاز جامعه انسانی در ایران به حرکت در آمده است. انقلاب ضد مذهب، انقلاب ضد نابرابری و فقر، انقلاب ضد استثمار و ضد چپاول و ضد ارتجاع حاکم، انقلابی که بر پرچم آن نفی زندان و اعدام و فقر و تبعیض حاکم شده است. انقلابی که رفاه و آزادی و شادی را برای تک تک افراد جامعه تضمین میکند. کارگران و مردم ایران با شعار منزلت و معیشت و آزادی عزم کرده اند که حاکمیت مفتخوران اسلامی سرمایه دار را برای همیشه از سر جامعه جارو کنند. منزلت و رفاه و آزادی با قدرت انقلاب ما به قانون بی چون و چرای جامعه تبدیل خواهد شد

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!
حزب کمونیست کارگری
۲۰ بهمن ۱۳۹۶، ۹ فوریه ۲۰۱۸

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!